

فرزندان ما پیام‌های ما به آینده‌ای هستند که ممکن است هرگز آن را نبینیم!

خانواده‌ی شما مجموعه‌ای است از شخصیت‌ها، خرده‌نظام‌ها، نقش‌ها و قوانین موجود در آن، ارزش‌های خانوادگی، صمیمیت و همبستگی اعضا (یا فقدان آن)، معیارها و توقعات و عقاید و باورهای مشترک. شخصیت جمعی خانواده‌ی شما می‌تواند سبب قوام و تقویت خانواده یا برعکس، فروپاشی آن شود.

اگر می‌خواهید فرزندان‌تان را درک کنید، باید خانواده‌ی خود را به‌عنوان یک نظام در نظر بگیرید نه فقط مجموعه‌ای از افراد. اگر مشکلی برای هریک از اعضای خانواده پیش‌آید، هیچ‌یک از اعضای آن از تأثیر این مشکل، در امان نخواهند ماند. این رویدادها، تأثیری منفی بر فرآیند «اجتماعی‌شدن کودکان» - یعنی توانایی آنان در یادگیری، مستقل‌شدن، کنار آمدن با دیگران و درک اهمیت قوانین و نیز پیشرفت تحصیلی و عزت‌نفس - خواهد داشت.

اجتماعی‌کردن بچه‌ها، یکی از مهم‌ترین وظایف خانواده است. وقتی خانواده‌ای نمی‌تواند نیازهای فرزندان‌ش را برآورده کند، تأثیر بدی بر آنان می‌گذارد و سبب می‌شود که قابلیت‌های‌شان شکوفا نشود. کودکانی که خوب اجتماعی نمی‌شوند، در زندگی خود مشکلات بسیاری خواهند داشت؛ آنان به سلسله‌مراتب و قواعد والدین خود احترام نمی‌گذارند و رفتارشان تکانشی است؛ خودخواه، خودرأی و بسیار متوقع هستند و توجهی به تأثیرات سوء رفتار خود بر خانواده ندارند. این رفتارهای کودکان که نتیجه‌ی نابسامانی خانواده و ناتوانی آن در اجتماعی‌ساختن آنان است، خود سبب وخامت بیش‌تر اوضاع می‌شود و به این ترتیب، یک چرخه‌ی معیوب شکل می‌گیرد.

به بافت، جو عاطفی و کیفیت آن دارند چراکه با مدیریت درست می‌توانند موفقیت خانواده را تضمین کنند و از بروز مشکلات و نابسامانی‌هایی که در

اهمیت پدر یا مادر بودن والدین، سرپرست خانواده هستند و بنابراین، نقش باورنکردنی در شکل‌دهی

# اهمیت خانواده



بسیاری از خانواده‌های هم‌جوار آنان مشاهده می‌شود، جلوگیری نمایند. نقش شما به‌عنوان پدر یا مادر، والاترین و مهم‌ترین نقشی است که در تمام زندگی داشته‌اید؛ شما می‌توانید با برخورداری از دانش کافی و ابزارهای مناسب، از عهده‌ی این وظیفه‌ی خطیر به‌خوبی برآید چراکه شما از قوی‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌ی لازم برای موفقیت برخوردارید. این مؤلفه‌ی کلیدی، «عشق بی‌قید و شرطی» است که از صمیم قلب به فرزندان‌تان دارید اما برای این که پدر (مادر) خوبی باشید، تنها عشق به فرزندان و خیرخواهی برای آنان کافی نیست چون شما تنها عامل تأثیرگذار در زندگی آنان نیستید؛ شما باید هوشیار و مسؤولیت‌پذیر بوده و ابتکار عمل را به‌دست‌گیرید. والدین همواره برای آن که بتوانند تعیین‌کننده‌ی سرنوشت فرزندان باشند، باید نقش عوامل محیطی متعدد را خنثی کنند. البته شما نمی‌توانید همه‌ی عوامل منفی را از بین ببرید اما باید تجربیات، ارزش‌ها و باورهای مثبت و مفیدی را فراهم سازید که تأثیر عوامل منفی را خنثی کنند. شما باید این کار را انجام دهید حتی اگر فرزندان‌تان نخواهد و در برابر شما مقاومت کند، حتی اگر هر روز با میلیون‌ها مشکل مواجه شوید. دشوار بودن این کار، چیزی از اهمیت و ضرورت آن کم نمی‌کند. اتفاقات بد فقط برای بچه‌های دیگران نمی‌افتد و به‌همین دلیل، باید مواظب فرزندان‌تان باشید. تشکیل و نگهداری خانواده مانند انتخاب لباس نیست، بلکه کاری است که ممکن است بیش از ۲۰ سال تداوم یابد و بنابراین باید بدانید که چطور آن را انجام دهید و نهایت سعی‌تان را در انجام آن به‌کار بندید.

سرنوشت آینده‌ی فرزندان‌تان در دست‌های شماست. برخوردی که شما امروز در سن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ یا ۱۶ سالگی با آنان دارید، تعیین‌کننده‌ی سرنوشت و رفتار آنان در سن ۲۴، ۳۴، یا ۴۴ سالگی است چراکه شما در حال تربیت و پرورش بزرگسالان آینده هستید. شما امروز در حال ساختن آینده‌ی آنان می‌باشید؛ درست مانند خانه‌ی جدیدی که باید از پی ساخته شود. وقتی خانه‌ای ساخته می‌شود، به‌محض تکمیل شدن، در معرض تأثیر نیروهای طبیعی و فرسایش قرار می‌گیرد. حال این سؤال مطرح است که آیا پی آن تخریب می‌شود یا سقف‌اش آب می‌دهد؟ یا برج‌ها می‌ماند یا فرو می‌ریزد؟

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که این امر بستگی به این دارد که شما امروز برای این که به آنان کمک کنید تا در آینده به بزرگسالانی مسؤولیت‌پذیر بدل شوند، چه می‌کنید؟ آیا این گفته را قبول دارید که «فرزندان ما پیام‌های ما به آینده‌ای هستند که ممکن است هرگز آن را نبینیم؟»

تشکیل خانواده‌ای موفق نیز مانند بیش‌تر مسائل زندگی، امکان‌پذیر نخواهد بود مگر آن که اول به خودتان بپردازید. سرآغاز این مسیر، خود شما هستید. شخصیت و منش شما بر نحوه‌ی انجام وظایف‌تان به‌عنوان پدر یا مادر، تأثیرگذار است.

اگر تمامی دردها و گذشته‌ها، تأثیرات بدی که والدین‌تان بر شما داشته‌اند و روحیات بد شما، از بین نروند، آن‌گاه هرچقدر هم که در مورد شیوه‌های فرزندپروری موفق، اطلاعات داشته باشید، باز هم ضعف معیارها و ارزش‌های شما، جلوی پیشرفت و موفقیت خود، فرزندان و خانواده‌تان

را خواهد گرفت.

آن‌چه ما برای خود و خانواده‌مان فراهم می‌کنیم، همان چیزی است که تصور می‌کنیم سزاوار آنیم؛ اگر باور نداشته باشیم که سزاوار موفقیت هستیم، هرگز موفق نخواهیم شد.

کودکان، شادبودن و خوشبختی را به ارث نمی‌برند، بلکه آن‌چه سبب شادی و خوشبختی آنان می‌شود، یادگرفتن راه و رسم زندگی، فکر کردن، ارتباط صحیح، کنترل هیجانات، ابزار وجود و خودنظم‌بخشی است. درواقع آنان شادی و خوشبختی را یاد می‌گیرند درست همان‌گونه که دوچرخه‌سواری و بستن کفش‌های‌شان را یاد می‌گیرند و این مسأله، نشان می‌دهد که توانایی پرورش فرزندان شاد و خوشبخت، یک مهارت اکتسابی است که والدین باید آن را فراگیرند.

وقتی هیچ آموزش رسمی در مورد شیوه‌های صحیح فرزندپروری دریافت نمی‌کنید، مجبور می‌شوید در این راه، والدین‌تان را الگوی خود قرار دهید اما چون آنان نیز شیوه‌های صحیح فرزندپروری را نیاموخته‌اند، به‌طور معمول نمی‌توانند الگوی مناسبی برای شما باشند. درواقع اگر خوش‌اقبال بوده‌اید و والدین‌تان در این زمینه الگوی خوبی برای‌تان بوده‌اند، باید ممنون شانس و تصادف باشید که چنین اقبالی داشته‌اید، چون قطعاً این مسأله ناشی از دریافت آموزش‌های مناسب نبوده است.

فرقی نمی‌کند فرزندان خوب و سازگار دارید که می‌خواهید شاهد پیشرفت‌شان باشید یا برعکس، فرزندان‌تان ناسازگار و بدرفتارند و به‌نظر می‌رسد که به‌جای دانشگاه، سر از زندان در می‌آورند یا به احتمال زیاد، وضعیت‌ی بحرانی دارند و گرفتار سوء‌مصرف مواد مخدر شده یا دچار افسردگی‌اند؛ چون خواه فرزندان‌تان خوب باشند یا بد، ابزارهای فرزندپروری یکسان‌اند.

صرف‌نظر از این که اوضاع چقدر خراب است یا شما چقدر احساس فشار می‌کنید، از صمیم قلب می‌دانید که چقدر خوشبخت هستید که موهبت داشتن فرزند به شما عطا شده است. پس، پدر و مادر بودن را یک ارزش و امتیاز تلقی کنید چراکه همین مسؤولیت است که سبب می‌شود احساس مهم‌بودن و مفیدبودن کنید.

اگر بتوانید فرزندان‌تان را افرادی با اعتمادبه‌نفس و شایسته -آن‌طور که سزاوار آن‌اند- بارآورید، در انجام وظیفه‌ی خود به‌عنوان یک پدر یا مادر، موفق بوده و به فرزندان‌تان نیز بهترین هدیه را داده‌اید.

اگر صاحب یک خانواده‌ی موفق و فرزندان خوب هستید، به این موفقیت و خوبی بیفزایید و اگر احساس می‌کنید در پرورش فرزندان‌تان موفق نبوده‌اید، دوباره از نو شروع کنید؛ یعنی دوباره از ابتدا اهداف، قواعد، اصول و حدود جدیدی را تعیین و تعریف کنید و وظیفه‌ای را که خدا با اعطای فرزندان بر عهده‌تان قرار داده، به انجام برسانید.

**دکتر محمد مهدی شریعت باقری**  
روان‌شناس و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد

